



منزل چهارم و روایت مسافر جاده اندوه از بدرقه تاریخی قائد امت در شاهراه ۷ کیلومتری انتظار

آخرین دیدار فیضیه با سرو آزاد کوی پاستور

گزارش

ساعت به وقت سحر حوزه؛ سکوت بامدادی قم با طنین یک تکبیر تاریخی شکست. سه شنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵، روز تجلی عهد در پناه کریمه اهل بیت (س) بود؛ روزی که قم نه در قامت یک شهر، بلکه به وسعت آغوش تمام جهان اسلام کش آمد تا اقیانوس انسان، شاهراه ۷ کیلومتری انتظار را از مسجد جمکران تا حرم حضرت معصومه (س) در برگردد و بی سابقه‌ترین ابریشمی تاریخ را در میان پنج شهر جهان، به ایستگاه اجتهاد برساند. امروز طلاب غیرایرانی از سراسر گیتی در کنار غیورمردان اقوام ایرانی خط بستند تا آخرین قرار با «سفره‌دار روضه زهرا (س)» و سرو آزاد کوی «پاستور» را به تکان دهنده‌ترین قباب حوزه‌های علمیه تبدیل کنند. این پیش درام روایتی است عینی و مستند از رستاخیز چند میلیون شهید کریمه؛ از تکبیرهای حق شده و شهادت نامه سرخ آیت‌الله جوادی آملی در محراب بارانی مهدویت، تا خروش پرچم‌های خونخواهی بر فراز عمودهای مه‌گرفته. این کدهای زنده، روایت فرسنگ به فرسنگ فرستاده ما از قلب بدرقه‌ای است که در آن، تبار فقه و جوانان دهه‌های جدید، داغی اقبال تیرماه را به زانو درآوردند تا فقیه صبور خود را تا آستان هجرت به نجف، کربلا و طواف عتبات عالیات مشایعت کنند.

تلاقی پاسپورت‌های بین‌المللی در عمودهای مرزی بلوار پیامبر اعظم (ص)، قم را به کانون یک مانور قدرت بی سابقه در تاریخ و خانواده ایشان توسط فقیه عالی قدر، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در مسجد جمکران برگزار شد. نماز با حضور مسئولین استانی، علما، روحانیون و اقباش مختلف مردم سرریز از اشک اقامه شد؛ نمازی که در آن تکبیرها با صدای حق‌گویی تمام شد تا یکی از ماندگارترین فریاض رقم بخورد. این فریضه، یک نماز معمولی نبود؛ ریتیم تکبیرها از همان ابتدا با لرزش شانه مفسر بزرگ قرآن گره خورد. فقیه تبار معرفت، عباراتی را به متن نماز تزریق کرد که ولوله در صفوف مأمومین انداخت؛ کلماتی که سندان فرجام سرخ یک عمر دودین بود.

آیت‌الله جوادی آملی، با بغضی چنگ انداخته بر گلو و مکت‌هایی طولانی کلمات واجب نماز را به فرازهایی خاص و بی سابقه پیوند زد؛ عباراتی با معنای صریح شهادت که مستقیماً به عروج سرخ رهبر انقلاب اشاره کرد: «اللهم انه نزل مجاهدا موحدا؛ خدایا، این مسافر در حالی به سوی تو آمده و بار سفر بسته که در تمام عمر، مجاهد خط مقدم و یکتاپوست بی‌ترسین از طریق بود.

«اللهم اللهم انه نزل عندک شهیداً؛ سه بار تکرار نام جلاله با صدایی که از حق‌گویی به لرزه افتاده بود؛ خدایا، خدایا، خدایا، او نزد تو آمده و در پیشگاه تو، در قامت و شناسنامه یک «شهید» حاضر شده است.

«اللهم انه نزل عندک قتیلًا لاسلام؛ شهیدان جان باخته است. این کلمات و گریه‌های بی‌امان پیر حوزه، بی‌دلیل نبود. همگان در حرمی که برای اعتلا و دفاع از اسلام کشته شده و در راه امتی مسلمانان جان باخته است.

این کلمات و گریه‌های بی‌امان پیر حوزه، بی‌دلیل نبود. همگان در حرمی که برای اعتلا و دفاع از اسلام کشته شده و در راه امتی مسلمانان جان باخته است.

نقطه عطف ترافیک عشق در عمود ۶۲، جایی که حلقه‌های انسانی سیب خط دفاعی تیرک را شکل دادند.

بازه زمانی ۱۲ ساعته از شامگاه ۱۵ تیر با بسته شدن درهای جمکران آغاز شد و تا هجرت کاروان به صحن عتیق و آینه در ساعت ۱۱:۴۵ ظهر ادامه داشت.

مطهر، خود را به صحن‌ها رسانده‌اند. این هجوم میلیونی منجر به پر شدن کامل صحن مسجد و بسته شدن درهای آن ساعت‌ها قبل از زمان رسمی نماز شد؛ صحنه‌ای که عمق احساسات مردم و عزم راسخ برای ادای احترام به امام شهید را نمایان می‌کرد. زائرانی که با چشمان اشک‌بار از دیشب در مسجد جمکران عزاداری کردند، آمدند تا در اقامه نماز و وداع با «رهبر شهید ایران» گره هم آیند. ایشان که خود سال‌ها در تاریکی شب، پنهانی و بی‌امان خط خلوت مناجات را به محراب مسجد جمکران می‌رساند و آخرین سفارش هنوز در خاطر تویبت و خادمان زنده است، حالا روی دست مردمی تشییع می‌شود که این حریم را با فرش سرخ اشک‌هایشان پوشانده‌اند.

ساعت حوالی ۸:۰۰ صبح است و رژه سوگواران آغاز شده. مراسم تشییع پیکرهای رهبر شهید و شهدای خانواده ایشان طبق اعلام ستاد، از مسیر بلوار پیامبر اعظم (ص) به سمت حرم حضرت معصومه (س)

می‌شد، فشار جمعیت کار هدایت لجستیکی را غیرممکن‌تر می‌ساخت. اینجا بود که حلقه‌های چندلایه جوانان بسیجی و طلاب جوان فیضیه شکل گرفت. آنها دست در دست هم، سپری انسانی در برابر امواج عاطفی مردم ساختند تا خودروی حامل تابوت بتواند در میان تن‌های کرما دیده، مسیر را بشکافد. هزاران نفر، پیراهن مشکی، شال عززا و حتی تسبیح‌های شاه‌مقصود از فواصل دور به سمت خودرو پرتاب می‌شد. جوانان مستقر روی سقف و دیواره خودرو، این پارچه‌ها را به دیواره تابوت رهبر شهید و فرزندان متبرک می‌کردند و با چشمانی خیس از اشک به میان جمعیت باز می‌گرداندند. غبار خاک نشسته بر پیشانی بندها و عرق روی پیراهن‌هایشان، تصویری از وفاداری نسلی را ساخت که خستگی را در پهنای داغ این جاده روسیاه کرد.

اتاق رصد رسانه‌ای آنچه در جاده تهران و شاهراه قم اتفاق افتاد، از نگاه ناظران آیت‌اللهی یک رویداد عاطفی صرف نبود. رسانه‌های فرامرزی و در رأس آنها شبکه «المسیره» یمن، با قطع برنامه‌های عادی خود و پخش زنده حضور چند میلیون قم، کدهای استراتژیک این حضور را کالبدشکافی کردند. این رسانه‌ها با تیتراژ «بزرگ‌ترین گردهمایی مردمی در تاریخ معاصر»، این رستاخیز را به عنوان یک مانور قدرت و بازآزادگی مطلق در سطح بین‌المللی تعبیر کردند. حضور بی سابقه مردم ثابت کرد کرامت و استقلال ایران، متکی به یک پایگاه مردمی رسوخ‌ناپذیر است که با جالش‌ها و فشارهای شدید، نه تنها سست نمی‌شود، بلکه منسجم‌تر پناور رهبری را فریاد می‌زند. این تصویر، یک پیام صریح و اطمینان بخش برای متحدان ایران در محور مقاومت داشت؛ اینکه جبهه ایستادگی در برابر پروژه‌های سلطه‌جویانه، با رفتن یک قائد، دچار گسست لجستیکی یا عقیدتی نخواهد شد و تبار فقه و جهاد در قم، پستوانه آئین این زنجیره است.

اگر قم امروز حرف می‌زند... «من خاک فقاہتم؛ من صدف گوهرهای تبار مبارزاهم. آسفالت بلوار پیامبر اعظم من امروز قدم‌هایی را چسبید که سنگینی صه‌شمان را گنبد طلا هم نمی‌توانست تاب بیاورد. سال‌ها بود که از تهران، از لانه‌های هیاهوی پاستور، عطر دل‌تنگی او را برای خلوت جهره‌هایم استشمام می‌کردم؛ او که مجاورت با کریمه را در دل داشت اما تکلیف، او را با گریه پایتخت کرده بود و امروز به یک خبرنگار بی‌گناه من می‌گفت که قم، امانت سرخ پایتخت را تا آستان آسمانی عتبات با خون دل مشایعت کرد...»

قم اگر امروز حجره داشت، به رسانه‌های جهان که حیرت‌زده پهنای ۱۰ متری انتظار را تماشا می‌کردند، می‌گفت این سیل چند میلیونی، یک رویداد عاطفی صرف نیست؛ این پیامی است با ابعاد استراتژیک، سیاسی و مذهبی از قلب حوزه که فراتر از مرزها ابلاغ می‌شود.

بیت صحن آینه در انتظار مسافران ساعت ۱۱:۴۰ صبح اتمسفر صحن عتیق و آینه دیدنی بود. در حالی که بدنه اصلی کاروان هنوز در میدان آستانه و ورودی حرم متوقف بود، در داخل صحن‌های مطهر حضرت معصومه (س)، بغضی تاریخی حاکم بود. پیرمردهای خطیب و خادمان قدیمی حرم با شال‌های سبزراد، خط بسته بودند. صدای قرائت دسته‌جمعی زیارت عاشورا و حدیث کساء زیر گنبد طلا طنین‌انداز بود.

خیزی از مردم با قرآن‌های جیبی بازنده بر سر، روی پله‌های ورودی صحن طباطبایی رو به قبله نشسته بودند و صلوات خاصه زمزمه می‌کردند. این بخش از مراسم، نقطه اوج دل‌تنگی قمی‌ها بود؛ شهری که سال‌ها منتظر مجاورت ممتد با فقیه صبور خود بود، حالا در شرایطی او را در آغوش می‌کشید که کاروان برای سفری کوتاه به عتبات شتاب داشت. این بیت و اشک جاری در صحن آینه، قباب، پایانی رستاخیز سه‌شنبه را تکمیل کرد. فردا جاده روایت دیگری خواهد داشت...

اتاق رصد رسانه‌ای آنچه در جاده تهران و شاهراه قم اتفاق افتاد، از نگاه ناظران آیت‌اللهی یک رویداد عاطفی صرف نبود. رسانه‌های فرامرزی و در رأس آنها شبکه «المسیره» یمن، با قطع برنامه‌های عادی خود و پخش زنده حضور چند میلیون قم، کدهای استراتژیک این حضور را کالبدشکافی کردند. این رسانه‌ها با تیتراژ «بزرگ‌ترین گردهمایی مردمی در تاریخ معاصر»، این رستاخیز را به عنوان یک مانور قدرت و بازآزادگی مطلق در سطح بین‌المللی تعبیر کردند. حضور بی سابقه مردم ثابت کرد کرامت و استقلال ایران، متکی به یک پایگاه مردمی رسوخ‌ناپذیر است که با جالش‌ها و فشارهای شدید، نه تنها سست نمی‌شود، بلکه منسجم‌تر پناور رهبری را فریاد می‌زند. این تصویر، یک پیام صریح و اطمینان بخش برای متحدان ایران در محور مقاومت داشت؛ اینکه جبهه ایستادگی در برابر پروژه‌های سلطه‌جویانه، با رفتن یک قائد، دچار گسست لجستیکی یا عقیدتی نخواهد شد و تبار فقه و جهاد در قم، پستوانه آئین این زنجیره است.

آغاز شده است. مسیر تشییع بامدادی، از پهنه سازه‌های عبور می‌کند که خود داستانی شنیدنی دارد؛ بلوار پیامبر اعظم (ص). شاهراهی به طول ۷ کیلومتر و عرض نزدیک به ۱۰۰ متر که نه برای ترافیک شهری، بلکه با انگیزه خلق یک «پیاده‌راه آیینی و سلوکی» میان حرم تا جمکران طراحی شد تا جاده تجسم بخش پیوند ولایت و مهدویت باشد. خودروی حامل پیکرهای مطهر شهدا، آرام‌آرام و منظم در میان سبیل عزاداران به حرکت درآمد؛ حرکتی که بارها با موج احساسات مردم، اشک‌های بی اختیار و شعارهای «لیک با خامنه‌ای» و «این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده» متوقف و همراهِ می‌شد. این بار، جمکران نقطه آغاز است و کاروان پیکرها، برعکس ریتیم همیشگی زائران، از سمت قبله انتظار به سوی مضجع شریف معصومه (س) حرکت می‌کند.

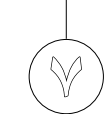
قاب‌های عمود به عمود ساعت ۹:۴۵ صبح پیکر مطهر «رهبر شهید ایران» در آغوش جمعیت گسترده عزاداران به عمود ۷۴ بلوار پیامبر اعظم رسید. در میان جمعیت، پرچم‌های سهرنگ جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیز به چشم می‌آید. پرچم‌های سرخ «یا لثارات الحسین (ع)» و پرچم‌های مزین به نام حضرت صاحب‌الزمان (عج) نیز در دست بسیاری از حاضران دیده می‌شود و مانور خشم و خونخواهی می‌دهد. در دستان مردم تمثال‌های رهبر شهید دیده می‌شود که بر شکوه مراسم افزوده است. طنین فریادهای «لیک با مهدی»، «ابوالفضل علمدار خامنه‌ای نگهداره»، «لیک با حسین»، «حسین حسین شعار ما شهادت افتخار ماست» به گوش می‌رسد. زائرانی از کشورهای مختلف و غیرایرانی‌ها از ملیت‌های مختلف با خانواده‌ها به این مراسم میلیونی آمده‌اند تا با مقتدا مسلمین تجدید میثاق کنند؛ حضور گسترده آنان نشان می‌داد آندوه این روز به مرزهای ایران محدود نیست. نوحه‌خوانی به زبان‌های فارسی، عربی و اردو در بخش‌هایی از مسیر تشییع، فضای مراسم را کاملاً بین‌المللی کرده است.

جمله فراموشی حوزة قم دیروز پایتخت بدون مرز جهان اسلام بود. در لایه‌لای جمعیت پیاده بلوار، طلاب مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) و جامعه‌المصطفی العالمیه، یک پیاده‌روی فراموشی را رقم زدند. زائرانی با پاسپورت‌های غیرایرانی و چهره‌هایی از شرق آسیا، آفریقا و شبه‌قاره، شانه به شانه طلاب نجف و شامات حرکت می‌کردند.

مردی اهل نیجر به لباس سنتی محلی و عرقچین سفید، تصویری از رهبر شهید را روی سینه چسباند و بود و به زبان هوسا مویسه می‌کرد. کمی آن طرف‌تر، گروهی از جوانان پاکستانی با پرچم‌های زنبیلی، ریتیم سینه‌زنی تکرار می‌کردند. پهنای ۱۰۰ متری بلوار تزئین کردند. این حضور ثابت کرد سیره علمی و مذهبی رهبر شهید، نسخ تسبیحی بود که فراتر از ناسیونالیسم ایرانی، جبهه‌ای به وسعت امت اسلامی خلق کرده است.

مقاومت زیر آفتاب تیرماه ساعت ۱۰:۰۵ صبح در عمود ۶۲، گرمای سوزان قم و گرد و غباری که در بخش‌هایی از مسیر برمی‌خاست، نه از تعداد جمعیت کاست و نه از شور عزاداری. مردم ساعت‌ها زیر آفتاب ایستادند؛ برای رفاه حال تشییع‌کنندگان هم‌پاش و دستگاه‌های آب‌پاش تعبیه شده است. نیروهای امدادی، انتظامی، خدماتی و نیروهای جهادی در حوزه‌های پزشکی، پرستاری و امداد رسانی در نقاط مختلف مستقر بودند تا زائران را آرامش در این مراسم تاریخی حضور پیدا کنند. بسیجیان برای عبور راحت خودروی حامل پیکر شهدا حلقه‌ای شکل دادند و در این میان جفیه‌ها و لباس‌های مردم را با پیکر شهدا متبرک می‌کردند. احساسات مردم دیدنی نه بلکه ستودنی بود و حاضر به ترک این بدرقه تاریخی نبودند. دیروز خانواده‌ها بخش بزرگی از جمعیت را تشکیل می‌دادند.

حلقه‌ای به رنگ خاک و فقیه ساعت ۱۰:۱۵ صبح خط دفاعی بسیج در تراکم اسکلت کاروان شکل گرفت. هرچه خودروی حامل پیکرها به عمودهای میانی نزدیک‌تر



و دایع

سفرنامه وداع

گزارش



چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۵ شماره ۲۳ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷

Wednesday 8 July 2026 Vol 9067

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۷